

جزییات تصمیم‌های نخستین مجلس خبرگان

۲۸ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۳۷

یادم هست پس از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدن آیت‌الله بهشتی و یارانش، حضرت آقا که روز قبل از آن فاجعه مورد سوء قصد قرار گرفته فرمودند: «گویا خدا هنوز با من کار دارد که زنده مانده‌ام!».

عالم جلیل مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی بنی فضل(قدده)، از شاگردان ارجمند آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی(ره) و از فضیلت نامدار حوزه علمیه قم به شمار می‌رفت. ایشان در ادوار اول و دوم مجلس خبرگان رهبری عضویت داشت و شاهد جلسه تاریخی ۱۴ خرداد و انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری بود. گفت و شنودی که پیش روی دارید، شمه‌ای از خاطرات ایشان در این باره را در خود دارد.

*به عنوان مقدمه، لطفاً بفرمائید که چه چیز موجب شد تا در آغازین دوره مجلس خبرگان رهبری کاندیدا و انتخاب شود؟ چه عاملی شما را به این تصمیم رساند؟

جامعه مدرسین در دور اول انتخابات مجلس خبرگان رهبری مثل انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری، جلسه مشورتی تشکیل داد تا برای مراکز استان‌ها شخصیت‌هایی را کاندید و به مردم معرفی کند. درباره آذربایجان غربی آیت‌الله حاج میرزا ابوطالب تجلیل و آیت‌الله احمدی میانجی را در نظر گرفتند، ولی آیت‌الله تجلیل به هیچ‌وجه قبول نکرد، لذا با بنده صحبت کردند. من هم مایل نبودم و آمادگی نداشتم، ولی با صحبت‌هایی که شد، سرانجام این مسئولیت را به عهده گرفتم و همراه با چند تن دیگر از جمله حجت‌الاسلام سید علی‌اکبر قریشی و قاضی خضر از علمای اهل تسنن کاندید شدم. بنده نه برای ثبت‌نام و نه برای تبلیغات به ارومیه رفتم و ستادی هم نداشتم و عده‌ای از روحانیون، بازاریان و فرهنگیان برای انتخاب بنده فعالیت کردند. شناسنامه و سایر مدارک را توسط فردی به فرمانداری ارومیه فرستادم که از طرف من ثبت‌نام کرد.

انتخابات که برگزار شد، بنده رأی اول را آوردم! آقای قریشی رأی دوم و مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی رأی سوم را آوردند. پس از اعلام نتایج قرار شد برای افتتاح مجلس خبرگان به تهران بروم. از فرودگاه تبریز عازم شدم و در هواپیما آقای حسنی، امام جمعه ارومیه و چند تن دیگر را دیدم که برای افتتاح مجلس خبرگان دعوت شده بودند. شخص دیگری در کنار آقای حسنی نشسته بود که قیافه‌اش مرا جلب کرد. پرسیدم: «ایشان کیست؟» آقای حسنی گفت: «آقای قاضی خضر، رقیب انتخاباتی شما!» بعد هم بنده را به ایشان معرفی کرد و به تهران که رسیدیم، با هم برای افتتاحیه مجلس خبرگان رفتیم. آقای قاضی خضر از علمای محترم اهل

تسنن آذربایجان غربی بود و در میان اهل سنت نفوذ و محبوبیت زیادی داشت.

*چگونه برای مجلس دوم خبرگان کاندیدا شدید؟ در این دور از انتخابات چه شرایطی داشتید؟

برای دور دوم با مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدتقی سرابی صحبت کردم و ایشان از تبریز کاندید شد. قرار بود به صورت انفرادی در انتخابات شرکت کنم، اما سعید آقا، پسر آقای حقی یک پوستر دو نفری از من و پدرش تهیه کرد و منزل بنده در تبریز را، ستاد تبلیغاتی ما قرار داد! حیاط منزل را با موکت فرش کرده بودند و طبقات مختلف مردمی از قبیل روحانیون، دانشگاهیان، بازاریان و دیگران به منزل ما می‌آمدند و سخنرانی‌های انتخاباتی در آنجا برگزار می‌شد. نماز جماعت هم به امامت مرحوم آقای حقی انجام می‌شد و بنده هم به ایشان اقتدا می‌کردم.

برای تبلیغات به اصرار بعضی از دوستان به شهرهای مرنند، اهر، مراغه، میانه و بستان‌آباد هم رفتم و در آن شهرها سخنرانی کردم. آقای حقی هم به اردبیل رفت. نتایج انتخابات که اعلام شد، آیت‌الله ملکوتی امام جمعه تبریز و نماینده ولی فقیه رأی اول را آورد. بنده هم در اکثر شهرهای آذربایجان غیر از اردبیل، آرابی را به خود اختصاص دادم. در اردبیل آقای مروج دوم شد و بنده سوم بودم.

*یکی از مهم‌ترین فرازهای فعالیت مجلس خبرگان در دوره اول، انتخاب رهبری پس از رحلت حضرت امام است. از سیر جلسه ۱۴ خرداد ۶۸ بفرمائید؟

یک روز قبل از رحلت حضرت امام، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی به منزل بنده آمدند و گفتند: «حال حضرت امام خوب نیست و پزشکان از ادامه حیات ایشان قطع امید کرده‌اند به همین دلیل خبرگان قرار است تشکیل جلسه بدهند و شما هم باید خود را به تهران برسانید». در آن شرایط ابداً حال خوبی نداشتم و نفهمیدم چگونه به راه افتادم. بنده بیش از هفت سال شاگرد حضرت امام بودم و ارادت بسیاری به ایشان داشتم. آشفته حال و پریشان در طول راه قم به تهران با خواندن قرآن خود را تسلی می‌دادم و فکر می‌کردم پیامبر(ص) با آن همه عظمت از دنیا رفت و همه ما هم رفتنی هستیم. با این فکر اندکی حالم بهتر شد و از خود پرسیدم: حالا که داریم وجود مبارک حضرت امام را از دست می‌دهیم، وظیفه ما چیست و چه باید بکنیم؟ می‌دانستم در بازنگری قانون اساسی، رهبری و مرجعیت لازم و ملزوم یکدیگر نیستند و لذا انتخاب رهبر به اندازه قبل دشوار نخواهد بود و این هم اندکی خاطر را آسوده کرد. از طرفی مجلس خبرگان را مجمع افراد آگاه و هوشمندی می‌دانستم و مطمئن بودم تصمیم درستی خواهند گرفت، اما از آنجا که هنوز بازنگری قانون اساسی به رأی گذاشته نشده بود، قدری در باره مرجعیت نگران بودم و فکر می‌کردم اگر کسی از نظر علمی و اخلاقی مرجع و مقلدین زیادی هم داشته باشد، ولی در شرایط حساس سیاسی نتواند نقش رهبری را درست ایفا کند و در واقع در برابر نظام قرار بگیرد، تکلیف چیست؟ این موضوع سخت فکرم را به خود مشغول کرده بود. در هر حال آن روز قبل از ظهر به مجلس خبرگان رسیدم. دیگر نمایندگان خبرگان هم خود را از سایر شهرها به مجلس رسانده بودند. هیچ‌کس نمی‌دانست چه خواه شد؟ شرایط از لحاظ امنیتی و سیاسی، فوق‌العاده حساس بود، زیرا دشمنان انقلاب به رحلت امام امیدزایی

بسته و مترصد فرصت مناسبی بودند تا به انقلاب ضربه بزنند. آن روز جلسه رسمی‌ای تشکیل نشد. شب حدود ده و بیست دقیقه بود که دیگر دستگاه‌ها را از بدن امام برداشتند و اعلام کردند ایشان رحلت کرده‌اند! در عمرم شبی آن قدر طولانی را تجربه نکرده بودم. شبی که گویی سپیده نمی‌خواست سر بزند! فردا صبح جلسه خبرگان به سرعت تشکیل شد. در ابتدای جلسه پاکت مهر و موم شده وصیت‌نامه حضرت امام توسط آیت‌الله مشکینی باز شد و رئیس‌جمهور وقت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آن را قرائت کردند. همه وقت جلسه صبح مجلس به قرائت وصیت‌نامه گذشت و کلیاتی در باره رهبری مطرح و قرار شد در جلسه بعد از ظهر بحث‌های مفصل صورت بگیرد.

*جلسه بعد از ظهر چه سیری را پیمود و در مقام انتخاب رهبری، چگونه نام آیت‌الله خامنه‌ای به میان آمد؟

برای جلسه بعد از ظهر، فقط نمایندگان خبرگان حضور یافتند و افراد دیگر که در جلسه صبح شرکت داشتند، رفتند و جلسه پشت درهای بسته تشکیل شد. عده‌ای معتقد به شورای رهبری بودند و می‌گفتند: باید شورایی از سه تا پنج نفر تشکیل شود. برخی از موافقان شورای رهبری، جزو مقامات درجه یک نظام هم بودند. در این باره بحث‌های مفصلی صورت گرفت. البته همه کسانی که معتقد به شورا بودند، آقای خامنه‌ای را به عنوان یکی از اعضای شورا قبول داشتند و در مجلس خبرگان حتی یک نفر هم نبود که با حضور ایشان در شورا موافق نباشد. عده‌ای معتقد بودند در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کشور، شورای رهبری پیامدهای ناگواری برای کشور خواهد داشت و سرعت تصمیم‌گیری‌ها را کند می‌کند، زیرا احتمال بروز اختلاف در بین اعضای شورا وجود دارد و همین مسئله بر روند تصمیم‌گیری‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

سرانجام در این باره رأی‌گیری شد و شورای رهبری رأی نیاورد. برای خود بنده این نتیجه‌گیری بسیار عجیب بود و احساس می‌کردم تحول درونی در قلوب خبرگان پدید آمد و رهبری فردی با رأی قاطع به تصویب رسید.

*در خلال این مباحث چه فضایی بر مجلس خبرگان حاکم بود؟

به نظر بنده صفا و صمیمیت کم‌نظیری بین اعضا حاکم بود و هر کسی هر چه می‌گفت، از سر انجام وظیفه بود. بنده با کمال دقت به صحبت‌ها گوش می‌دادم و از نزدیک شاهد مذاکرات بودم و هیچ‌گونه غرض شخصی در مسئله ندیدم. گویی دست غیبی داشت قلوب نمایندگان مجلس خبرگان را به سمتی که مشیت خود او بود هدایت می‌کرد.

پس از بحث و گفتگوهای دقیق سرانجام آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری مطرح شدند. البته ایشان ابداً تمایلی به این کار نداشتند و بارها تکرار کردند: این کار را نکنید و این تکلیف سنگین را به عهده‌ام قرار ندهید! آیت‌الله آذری قمی گفتند: این تصمیمی است که مجلس خبرگان گرفته است و همه باید از تصمیمات این مجلس تبعیت کنیم. سرانجام رهبری آیت‌الله خامنه‌ای با اکثریت قاطع آرا به تصویب رسید.

به نظر بنده، رهبری ایشان یک امر خدایی بود و خداوند اراده کرد قلوب خبرگان متوجه ایشان شود و لذا حرکت شگفت‌انگیزی شکل گرفت. همه اینها کار خدا بود که لطف و عنایت خود را متوجه این انقلاب و مردم کرد.

*ارزیابی حضرتعالی از شیوه رهبری ایشان چیست؟

بینی و بین‌الله در این مدتی که ایشان این مسئولیت را به عهده گرفته‌اند، بنده لحظه‌ای خلائی در مورد رهبری احساس نکرده‌ام و هر روز بیش از پیش اعتقاد و ارادتم به ایشان بیشتر شده است و احساس آرامش بیشتری پیدا کرده‌ام. ایشان نیز مانند حضرت امام با هوشمندی و دقت خارق‌العاده‌ای انقلاب را رهبری کرده و مایه سربلندی امام، انقلاب، نظام و مردم بوده‌اند. امیدوارم خداوند سایه ایشان را بر سر این انقلاب مستدام بدارد.

یادم هست پس از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدن آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از بزرگان انقلاب، حضرت آقا که روز قبل از آن فاجعه مورد سوء قصد قرار گرفته و به لطف خدا زنده مانده بودند، فرمودند: «گویا خدا هنوز با من کار دارد که زنده مانده‌ام!» وقتی ایشان رئیس‌جمهور شدند، خدا رحمت کند آقای حسن عطری از مبارزان پیشکسوت را. ایشان آمد و گفت: «حاج آقا! خدا آقای خامنه‌ای را برای این روز حفظ کرد.» این ماجرا گذشت تا رحلت امام پیش آمد و مجلس خبرگان ایشان را به رهبری انتخاب کرد و معلوم شد کار بزرگ‌تر از این حرف‌ها بود و خداوند ایشان را به عنوان ذخیره‌ای برای این مقطع دشوار حفظ کرده است. البته ایشان علاوه بر علم، جهاد و مبارزه با تهذیب نفس و تقوایی بی‌بدیل شایستگی این مقام را نیز کسب و خداوند هم زمینه‌های این انتخاب را فراهم کرد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۶۴۴/جزییات-تصمیم-مجلس-نخستین-های-تصمیم-جزییات>